

پاییز فوت می‌کند کوجه‌ها را؛ آدم‌ها را و پرگ‌های زرداز شاخه‌کنده‌شده‌را؛ درخت‌ها می‌رنزند و آدم‌ها لابه‌لای لباس‌های زمستانی پنهان می‌شوند.

هوا سرد شده؛ دم کرده آسمان بی باران و ما راهی دفتر کیانوش عیاری هستیم؛ کارگردانی که حالا همه او را با مجموعه روزگار قریب به یاد می‌آورند.او که این روزها تهیه‌کنندگی یک کار جدید را بر عهده گرفته است.خستگی نمی‌شناسد. آخرین بار که دیدمش در میانه‌های ضبط روزگار قریب بود؛. مجموعه ای که بیش از پنج سال به طول کشید تا برای بیش از پنجاه سال و شاید بیشتر در ذهن‌ها بماند از تلویزیونی که این روزها دل‌کنند و خاموش کر دندش سخت نیست. گفت و گوی ما را با او در یک عصر روز زمستانی، میان هیاهوی کسانی که آمده بودند تا تست بازیگری بدهند و بخار استکان‌های چای می‌خوانید!

نه چایی، نه پذیرایی... شما ناهار خوردید؟
**سلامت:** بله، الان که ساعت ۴ و نیم است؛ حتما شما ناهار نخوردید؟

نه.اتفاقا خیلی وقت پیش ناهار خوردم. ناهار مفصلی هم خوردم

**سلامت:** مفصل؟! جشن داشتید؟

نه...توی دفتر وقتی غذا می‌گیریم چند تا از بچه‌ها-اکثرا خانم‌ها- نصف غذایشان را می‌خورند به همین خاطر من هم که می‌خواهم مثلا کمتر غذا بخورم و رژیم باشم غذا برای خودم سفارش نمی‌دمم؛ اما قضیه بر عکس می‌شود همه یکی دو فاشق از غذایشان برای من می‌ریزند و بعد من مجبورم یک بد دوری غذا بخورم!

**سلامت:** گفتید رژیم دارید؟

مثلا!

**سلامت:** اضافه وزن دارید؟

آره! الان یک ۴۰ کیلویی اضافه وزن دارم.

**سلامت:** ۴۰ کیلو؟!

نه(خنده) شوخی کردم. اما بهتره یک مقدار وزن کم کنم.

**سلامت:** از حالت خستگی که توی دوران ضبط روزگار قریب داشتید، بیرون آمدید؟

بله، هرچند الان هم بیکار بیکار نیستم و تهیه یک کار جدید را دارم انجام می‌دم.

**سلامت:** قرار بود بعد از تمام شدن روزگار قریب کمی استراحت کنید؟

من نمی‌توانم آرام بنشینم و مدام باید کاری انجام بدهم...

**سلامت:** از روزگار قریب چقدر دور شده‌اید؟

دور؟!توانی از کارهایی که با دل انجام می‌دهی فاصله‌گیری و دور شوی!

**سلامت:** به غیر از روایت یک داستان دنبال چه بودید که این همه با وسواس کار را دنبال کردید؟

یکی از دلایل اش اصرار من برای زنده‌بودن وقابل‌باور بودن همه کارهایی است که می‌سازم.

گیی باکیانوش عیاری کارگردان و تهیه‌کننده

# چطور می‌توانستم پزشک شوم؟!



دکتر سیادتی، دکتر باستانی، دکتر ولایتی، دکتر مهدی فرخ‌بی که خودش نقش دکتر فرخ را بازی می‌کند، دکتر بیضایی و دکتر مهدوی در زمینه طب گیاهی؛ خلاصه سعی بر این بود که حتی با یک اشتباه و لو اشتباه لبی در زمینه پزشکی رویه‌رو نشویم.

**سلامت:** مشاوره‌هایی که می‌گرفتید چگونه بود؟در زمان نوشتن فیلمنامه تنها این مشاوره‌ها انجام می‌گرفت یا سرصحنه؟

همه موارد! گاهی اوقات حضوری، گاه تلفنی؛ بارها پیش می‌آمد که نیمه‌شب‌ها سوالی برای ما به وجود می‌آمد و در آن زمان از طرفی به خودم نمی‌توانستم این اجازه را بدهم که مزاحم این آقایان پزشک شوم و از طرفی سوال ذهن من را به خودش مشغول کرده بود و فردا را در شهرستان فیلمبرداری داشتیم و باید اطلاعات را به بازیگر موردنظر می‌دادیم.به همین خاطر تلفن می‌زدم به دکتر سیادتی و ایشان با مهربانی و لطف باور نکردنی و با خوش‌رویی در نیمه‌شب با تمام خستگی که داشتند به سوال من جواب دادند.

**سلامت:** تخیل چه‌قدر در صحنه‌سازی‌ها و بازسازی‌های شما جا داشت؟!

**سلامت:** در صحنه آخر فیلم دکتر قریب از عمل جراحی سربازی می‌زند.این قضیه واقعیت داشت یا تخیل کارگردان این صحنه را به این شکل درآورد!؟

نه واقعیت داشت و مطمئن باشید که همه چیز را پرسیدم و مطمئن شدم.

**سلامت:** یعنی این موضوع هم واقعیت داشت که خود دکتر قریب از عمل آخر سرباز می‌زند؟

بله چون به گفته آقایان پزشک دو هفته ای از متاستاز -حست‌اندازی سرطان- گذشته بود.

**سلامت:** در روزگار قریب بر روی کرامت انسانی و ویژگی‌های شخصیتی دکتر قریب خیلی تاکید شده بود؛ آیا واقعا تا این حد و با این شدت این ویژگی‌ها در ایشان وجود داشت یا غلوهم شده بود؟

نه به هیچ‌وجه این چیزی بود که تا حدود زیادی در ایشان وجود داشت.

**سلامت:** خود شما آخرین باری که به دکتر مراجعه کردید کی بود؟

پیش خانم دکتر سبحانی برای قلبم رفتم... دقیقا زمانی‌ا ر یادم نیست اما در جریان تولید روزگار

**سلامت:** این اتفاق در روزگار قریب تا چه حد افتاد؟

در این کار من از لحاظ تاریخی سه دهه را در هم تلفیق کرده بودم و دستکاری عمدی انجام داده بودم در راستای بهتر شدن روند داستان اما در موارد پزشکی و بیشتر اتفاقاتی که می‌افتاد به هیچ‌وجه این کار را انجام نادم و نهایت دقت خود را انجام دادم.

**سلامت:** همیشه درباره موضوعات پزشکی مطرح در فیلم‌ها دقت دارید یا تنها در این فیلم به لحاظ موضوعی که داشت حساسیت به خرج دادید؟

فکر می‌کنم همیشه همین‌طور بوده. تا جایی که «بودن یا نبودن» هم مورد تقدیر سازمان نظام پزشکی قرار گرفت و جدای از این موارد من همیشه دنبال دلیل اتفاق‌ها بودم. مثلا من در فیلم‌های گانگستری می‌دیدم با دسته تپانچه پشت گردن طرف می‌زدند و طرف بی‌هوشی آتی می‌گرفت، من این موضوع و درست و غلط بودن آن را از چند نفر از پزشکان پرسیدم و دیدم از نظر پزشکی مطلقا چنین چیزی امکان ندارد.

در دوران ساخت روزگار قریب این حساسیت بیشتر شد.تاجایی که از نحوه‌تخم‌مرغ‌سرخ‌کردن در آن دوران تا رفتارهای پزشکی و حالت‌های یک بیمار که چه‌طور درد می‌کشد همه اینها حساب شده و تحقیق شده مورد بررسی قرار گرفت و ما هم از گروه زیادی از پزشکان به عنوان مشاور بهره بردیم تا کمترین میزان خطا را داشته باشیم.

**سلامت:** اصلی‌ترین مشاوراتی که این پروژه داشت، چه کسانی بودند؟

به هر حال وقتی به دنبال حرکت صحیح بازیگر هستم و بازیگری می‌خواهد صحنه‌ای را بازی کند که بیمار هست و دارد درد می‌کشد و یا در حال طی کردن دوران نقاهت است،هم از تحقیق استفاده می‌کردیم و هم از قوه تخیل.

**سلامت:** نمی‌ترسیدید این تخیل با واقعیت هم خوانی نداشته باشد و حتی در تضاد باشد و شما را با مشکل روبه‌رو کند!

یک تولیدکننده اثر هنری چه نویسنده باشد چه کارگردان و چه نقاش باید این حق را به او داد که بر اساس مقتضیات و زمینه‌کاری که دارد یک دست‌کاری‌هایی در واقعیت انجام بدهد. همان‌طور که خود من این کار را در زمینه تاریخی داستان انجام دادم.

**سلامت:** در زمینه بازسازی شخصیت دکتر قریب هم این دست‌کاری انجام گرفت؟

بله، اما تا جایی که شرایط باورپذیری را برای مخاطب سخت نکند.

**سلامت:** باورپذیری برای مخاطب عام یا مخاطبی که می‌توانست با توجه به موضوع داستان یک پزشک باشد با حساسیت‌ها و اطلاعاتی که دارد؟

هر دو! من تحریف را تا جایی انجام دادم که هر دو طیف را راضی نگه دارم و در زمان ساخت هم می‌دانستم یک گروه از مخاطبان جدی این مجموعه پزشکان هستند و بنابراین با دقت بیشتری نکات پزشکی را زیر نظر داشتم، هر چند ساعت بسیار بدی که برای پخش این مجموعه در نظر گرفته شده بود باعث شد عده زیادی از دوستان پزشک موفق به دیدن این مجموعه نشوند.



کیانوش عیاری در پشت‌صحنه مجموعه روزگار قریب

قریب بود.

**سلامت:** نوع برخوردشان چگونه بود؟ سنگ‌تمام می‌گذاشتند و خیلی دوستانه و مهربان برخورد می‌کردند.

**سلامت:** این برخوردها با شما به‌عنوان کیانوش عیاری کارگردان انجام می‌گرفت یا یک بیمار؟

به هر حال نمی‌توانم بگویم شناختی که وجود داشت بی‌تاثیر بود.اما وجدان‌ا در زمانی فیلمبرداری در بیمارستان بوعلی برخوردهایی از خانم دکتر سبحانی با دیگر بیماران دیدم که هم‌نشانگر علاقه به حرفه‌شان بود و هم بیمار.

**سلامت:** فکر می‌کنید این قبیل برخوردها در میان پزشکان ما تا چه حد وجود دارد که باعث شد خیلی‌ها حتی خود پزشکان با دیدن نوع رفتار دکتر قریب در واقعی بودن این صحنه‌ها شک کنند!

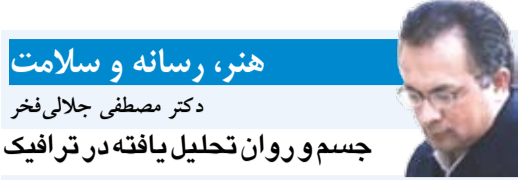
متأسفانه باید قبول‌کنیم این برخوردها نادر است و هستند پزشکانی که به لحاظ شهرتی که دارند از حداکثر توجه به بیمارانی غافل هستند و البته به لحاظ حجم بیمارانی که دارند ناگزیرند.

**سلامت:** باشان‌دادن این شیوه‌ومنش‌رفتاری دکتر قریب نمی‌خواستید به رفتار برخی از پزشکان امروزه تلنگری زده باشید!

۱۰۰ درصد! و این یکی از چشم‌داشت‌هایی بود که من همراه با دیگر چشم‌داشت‌ها از روزگار قریب داشتم و می‌خواستم روی جامعه پزشکی و نوع رفتارشان تاثیر بگذارم تا جایی که از برخی از اساتید پزشکی مثبت بودن این تاثیر را شنیدم.

**سلامت:** فکر می‌کنید تاثیر این مجموعه تا

شماره دیست‌ویک | شنبه هفت دی هشتادوهفت



هنر، رسانه و سلامت

دکتر مصطفی جلالی‌فخر

جسم و روان تحلیل‌یافته در ترافیک

ترافیک تهران در چند هفته اخیر به یک بحران همه‌جانبه و ملی بدل شده است. به رغم اندک بهبودی که پس از اجرای طرح جدید انضباطی مشهود شد، وضعیت بحرانی کماکان باقی است و علاوه بر صرف هنگفت وقت و انرژی، سلامت جسم و روان شهروندان را نیز به‌طور جدی – و چه بسا برگشت‌ناپذیری– تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سویی بحران آلودگی هوا که هرازگاهی (به ویژه در نیمه دوم سال) به مرز هشدار نیز می‌رسد، ارتباط مستقیمی با هیولای دودزا و نفس‌بر ترافیک دارد. هم‌زمانی شیوع بیماری‌های اضطرابی و افسردگی و کاهش چشمگیر سن سکنه قلبی و افزایش سرطان را نیز می‌توان در تحلیلی سبب‌شناسانه، به هر عامل ضداعصاب و روان (و طبعا ترافیک) مرتبط دانست.

نقد مدیریت شهری و سامانه نقلیه شهر در مجال این یادداشت نیست اما توصیه به جلب مشارکت عملی شهروندان با ابزار هنر و رسانه یکی از راه‌های موثر است. در مواجهه با هر بحرانی باید به همه راه‌های کوتاه مدت و کلان فکر کرد و همه مسوول‌اند. با کاسه «چه کنم؟!»، دیگری را مقصر دانستن و غر زدن، راه به جایی نمی‌بریم و شمع سلامت ماست که ذره ذره آب می‌شود. درست است که ورود بی‌رویه ماشین جدید (روزی ۱۵۰۰ تا) و آسان شدن خرید و گسترش صنایع خودروسازی در روی دیگرش به پارکینگ شدن کلان شهرها منجر خواهد شد اما ما نیز مسوولیم. فرهنگ رفتار متعادل در مواجهه با وسایل نقلیه شخصی و عمومی، یکی از اولویت‌های زیرساخت شهرنشینی است. اعتراض رییس «سازمان حفاظت از محیط زیست» به انبوه ماشین‌های تک‌سرنشین، آن هم در اوج بحران ترافیکی و آلودگی، واکنشی به‌جا و منطقی بود.

واکنش ناکافی رسانه‌ها (به ویژه تلویزیون) در روزهای اخیر جای شگفتی و پرسش دارد. این در حالی است که اطلاع‌رسانی و برنامه‌سازی مترکم در پاییز ۸۴ در مواجهه با آلودگی آن وقت هوای تهران کاملا موثر واقع شد و افکار عمومی برای پذیرش طرح زوج و فرد آماده گردید. اکنون اوضاع ترافیکی و آلودگی به مراتب نگران‌کننده‌تر است اما کوشش کمتری از سوی صدا و سیما دیده و شنیده می‌شود. این در حالی است که علاوه بر واکنش‌های فشرده و مبتنی بر اهداف کوتاه مدت رسانه‌ای، هنر و رسانه باید به اصلاح فرهنگ مردم در درازمدت نیز همت گمارد.

اینکه مردم قانع شوند (و در رفتار شهری خود نیز رعایت کنند) که کمتر از وسیله شخصی استفاده کنند و این کار را برای نجات جان و روان خود ضروری بدانند. الان در خیرها و به نقل از رییس اورژانس کشور خواندم که آمار حملات قلبی در تهران طی هفته‌های اخیر و پس از تشدید آلودگی هوا (و همچنین ترافیک) افزایش یافته و نسبت به تابستان امسال ۶۴ درصد رشد داشته است.

اینها آسیب‌های مستقیم‌اند و محاسبه عوارض متعدد و غیرمستقیم ناشی از شخم‌زدگی اعصاب در ترافیک چندان ساده نیست اما آنها وجود دارند و به صورت زنجیره‌ای شکل می‌گیرند و زندگی را دشوارتر می‌کنند. بیایید بیشتر درباره ترافیک بگویم و کاری بکنیم، قبل از اینکه خیلی بیشتر از الان دیر شده باشد. ■

بهرترین مقاله را انتخاب کنید

بهرترین مقاله را انتخاب کنید

بهرترین مقاله را انتخاب کنید

بهرترین مقاله را انتخاب کنید

بهرترین مقاله را انتخاب کنید

بهرترین مقاله را انتخاب کنید

بهرترین مقاله را انتخاب کنید

بهرترین مقاله را انتخاب کنید



کیانوش عیاری در پشت‌صحنه مجموعه روزگار قریب

از هر اثر هنری داشت: تلنگر زدن!

**سلامت:** اگر این تلنگر زدن جنبه منفی پیدا کند، چه اتفاقی می‌افتد؟

می‌دانم چه می‌خواهید بگویید... زمانی که فیلم بودن یا نبودن اکران شد با آن وضعیت اکران نامناسب و غیرمنصفانه، آماری به دست ما رسید که این فیلم توانسته تاثیر زیادی برای اهدای عضو افرادی بگذارد که عزیز ی را به علت مرگ مغزی از دست داده‌اند اما من با اینکه خودم را خیلی وقت‌ها ملزم به تلنگر مثبت زدن و تاثیر گذاری روی جامعه می‌دانم، برای دیگران چنین وظیفه‌ای را تعریف نمی‌کنم.

کما اینکه مدت‌ها قبل از ساخت بودن یا نبودن این قضیه را دنبال می‌کردم یعنی از زمانی که اولین پیوند قلب در تبریز انجام گرفت و هم دریافت‌کننده و هم اهداکننده از دست رفتند و این عمل با شکست انجام شد تا زمانی که عمل موفقیت‌آمیز دکتر ماندگار در تهران انجام گرفت خیلی تحت تاثیر قرار گرفتم و اقرار می‌کنم پیش از اینکه جنبه علمی این کار برای من اهمیت داشته باشد محوریت انسان و ماندگاری او و نجات او برای من جذابیت پیدا کرد، و موجب ساخت بودن یا نبودن شد.

**سلامت:** چرا شما پزشک نشدید؟ چرا؟!

**سلامت:** بله؛ چرا! با این همه علاقه که به این موضوعات داشتید؟

من قبل از اینکه به دنیا بیایم از قابله پرسیدم سینما به وجود آمده و بعد به دنیا آمدم! چه‌طور می‌توانستم پزشک شوم؟! ■